

اختلاسگران

عظامحمد نور از بلخ تا شیرپور

بخش هشتم ونهم (تحقیق و پژوهش استاد صباح)



خداگر پرده بردارد ز روی کار آدمها
چه شادیهها خورد برهم چه بازیها شود رسوا
یکی خندد ز آبادی، یکی گرید ز بربادی
یکی از جان کند شادی، یکی از دل کند غوغا
چه کاذب ها شود صادق، چه صادق ها شود کاذب
چه عابدها شود فاسق، چه فاسق ها شود ملا
چه زشتی ها شود رنگین چه تلخی ها شود شیرین
چه بالا ها رود پائین، چه سفلی ها شود علیا
عجب صبری خدا دارد که پرده بر نمی دارد
وگر نه بر زمین افتد ز جیب محتسب مینا...فانی.

مشکل اساسی عبور از جنگال خونین قدرتمداران و جنگ سالاران است که آنان برای بقای خود نیازی به ابزار قهر و بسیج نیروهای محافظ خود است تکه داران قدرت - چون تورن اسماعیل، رسول سیاف، یونس قانونی، بسم الله محمدی، دبل عبدالله، گل آقاشیرزی، امرالله صالح، عظامحمد نور، سید منصور نادری، انوری، خلیلی، محسنی، اکبری، بصیر سالنگی، صلاح الدین ربانی، فاروق وردک، کریم خرم، انورالحق احدی، برادران مسعود... تلاش ها را آغاز کرده اند تا یک شورای مرکزی مجاهدین را ایجاد نمایند. سران مجاهدین می خواهند برای حفظ قدرت شان، یک نیروی مسلح جهادی را بسازند، و به همین هدف تاکنون چندین نشست را در کابل برگزار کرده اند. اسماعیل وزیر انرژی و آب در یک نشست در ولایت هرات گفت که برای دفاع از افغانستان یک شورای سراسری مجاهدین را تشکیل می دهد. شورای ملی، آگاهان سیاسی و مقامات امریکایی با این اظهارات اسماعیل خان مخالفت کرده و آن را به ضرر کشور دانستند.

نامه مردم بلخ به کرزی که متأسفانه نسبت بی کفایتی و مصلحت گرایی ناشنیده ماند

- ۱: عظامحمد نور کی بود؟، چه شد؟، در دوران کرزی به کجا رسید؟، چه کرد؟
 - ۲: به پیشگاه پرور دگار عالم و ملت ستمدیده ورنجیده کشور کی ملامت هست، آیا به ملت جوابگو کی ها میباشد؟
 - ۳: عظامحمد نور به ملت خطاب میکند چه میگوید؟
- تشریح: عظامحمد نور فرزند نورمحمد مسکونه مزارشریف میباشد پدر عظامحمد وظیفه پوست فروشی داشته که از این راستا معیشت شباروزی را آماده می ساخت عظامحمد نور بعد از سپری نمودن تحصیلات دوره ثانوی و تحصیلات رابه

پایه اکمال نرسانده از بدرفتاری و فساد اخلاقی در جامعه جابجود نداشت رو به طرف سنگرهای داغ جهادی نموده فرار رابه قرار ترجیح داده به صفوف جهاد در پهلوی سایر مجاهدین پیوست شد و در چوکات حزب جمعیت تنظیم گردید که بعد از گذشت چند سال تحت نام شورای نظر به حیث سرگروپ ۱۰ نفری بخاطر سرکوب نمودن مجاهدین متدین و باایمان و از بین بردن شخصیت ها و چهره های معلوم و ثابت جهادی توظیف گردید، تازمان پیروزی مجاهدین در این پروسه شوم و پلید با اشاره بداران شان به نحوه خاص شان ادامه داشت.

خلاصه: عظامحمد و پدرش نورمحمد کسانی نبود که در شهر مزارشریف و اطراف آن يك فرد و یا شخص گواهی دهد که صاحب و مالک تعمیر، خانه، مارکیت، سرای و زمین باشد به استثنای اینکه پدر عظامحمد که نورمحمد نام دارد پوست فروش کمیشن کار بود بناءً شرایط ماضی آن باحال تحلیل و ارزیابی گردد. اعظامحمد چه شد؟ بلاخره عظامحمد زمام دارشد مالک همه چیز شد غاصب شد، قاتل شد و غیره.

جلالتآب کرزی: در دوران شما عطا محمد به کجا رسید؟

(((بلاخره در زمان شما به جایگاه تسلط یافت که روزانه و ماهانه به ده ها هزار کیلو هیروین و مواد مخدر در طیاره های دولتی و خصوصی انتقال میداد آیا در ارتباط این جرم و معامله گری ضد انسانی و ضد بشری کی ها شریک بودند؟ این را جرم و خیانت می پندارید و یا عدالت و خدمت به ملت مظلوم و داغ دیده و بالخص به جهانیان آیا این عمل مطابق به موازین اسلام و حقوق بشری بوده و یا مغایر؟

اگر موافق هستید پس به مقابل خداوند لایزال چه جواب دارید اگر مخالف هستید چرا جلو همچو اعمال به همکاری جهانیان و حقوق بشر نمی گیرید چرا ملت رابه گودال نابودی می سپارید، شما رئیس جمهور هستید ملت رای انتخاب را به شما داده است. پس جناب شما و معاون متعصب و ملیت پرست چون فهیم جوابگویی ملت میباشد و یا صبر کند شکیباً باشد تا طالبان اشک مظلومانه شان پاک کند و دست ترحم رابالای رویش بکشاند.

آری: پدر و والی بلخ عظامحمد نور که مفاد سالانه آن ۱۰۰۰ یکهزار دالر امریکایی از شغل دوکانداری نمی رسید و اکنون پسرش عظامحمد نور به حیث يك شخص سرمایه دار در جهان مطرح شده، دارایی والی بلخ که تنها در مزارشریف تثبیت شده در ذیل اشاره می شود ولی ملکیت ها و جایداد های که در بیرون کشور چون ازبکستان و غیره ممالک دارد، کدام مناطق که در مزارشریف نامبرده خارجی اخذ نموده تنها خداوند لایزال آگاهی می شود در مورد عظامحمد تبلیغ ناروا نبوده بلکه حقیقت بوده هرکس میتواند از مناطق یادشده عملاً بازدید نماید و از مردم محل پرسش شود که چه میگوید. اکنون قرار معلومات که جمع آوری شد عظامحمد والی بلخ در ولایت بلخ اضافه از ۵۰۰ قبالة شرعی در ارتباط جایداد ها یابه نام خود یابه نام خانمش و دوپسرش و یک دخترش در املاک ثبت میباشد، نام پسران شاغلی عظامحمد نور والی بلخ خالد (نور) و ولید (نور) و نام دخترش مترا (نور) که به نام های متذکره چندین نمونه یادداشت میشود.

۱: پروژه خالد بن ولید: که از طرف والی توزیع صورت گرفته که تقریباً ۶۰۰۰ هزار نمره تقسیم شده که قیمت فی نمره آن مبلغ ۸۰۰۰ هزارا الی ۲۰۰۰۰ هزار دالر بوده به فروش رسیده و در پروژه متذکره به تعداد ۲۰۰ نمره در قسمت فوق العاده برای خود دور داده است.

۲: مارکیت عصری به نام باختر که در آن به تعداد ۲۰۰ باب دوکان به نام شان ثبت است.

۳: مارکیت بادام در پهلوی سینا استدیوم که اکنون ملکیت شان میباشد.

۴: مارکیت سابقه به نام عجب خان که اکنون کار تعمیراتی و ساختمانی در آن جریان دارد.

۵: سنتر بزئس نور که هشت طبقه بوده و به تعداد ۱۰۰ باب دوکان به اسم شان میباشد.

۶: مارکیت ادویه فروشی مقابل شفاخانه مزار.

۷: کلنیک لایزر نور.

۸: شرکت تیل نور در منطقه دروازه بلخ.

۹: منزل رهایشی چندین طبقه به نام مترانور که گنجایش ۴۰۰ خانه وار را دارا میباشد.

۱۰: منزل ده طبقه بی مقابل شاروالی مزار که در پهلوی زرگران اعمار شده و اکنون کار جریان دارد.

۱۱: شرکت ترانسپورتي مترا نور که اضافه از ۳۰۰ نوع موتر کاماز در آن فعالیت دارد.

۱۲: مارکیت جدید که بجای سینمای سابقه مزار اعمار شده تقریباً ۱۰۰۰ هزار دوکان داشته.

۱۳: پمپ استیشن های خالد نور که در نقاط مختلف شهر مزار موقعیت دارد.

۱۴: خانه شخصی شان که در چهار طبقه در منطقه چوغدک که به دو میلیون دالر ساخته و به رنگ روغن آن مصرف گردیده.

۱۵: در عقب خانه اختر محمد ابراهیم خیل يك باب سرای که موازی سه جریب زمین بوده و اکنون استیگاه موتر های ولسوالی شولگر میباشد.

۱۶: يك باب تعمیر بلند طبقه بی در عقب ولایت در کوچه قاضیان.

۱۷: در عقب لیسه سلطان راضیه تعمیر بلند طبقه بی که اکنون به کلنیک به کرایه داده و به نام خانمش ثبت شده.

۱۸: موسسه آموزش تحصیلات عالی به نام آریا که تعمیر چند طبقه بی بوده و به احمدضیاء شریک میباشد.

۱۹: دویاب شفاخانه به نام مولانا جلال الدین و الفلاح.

۲۰: مقابل پوهنتون بلخ مارکیت بلند به نام سینافر که در آن ۴۰۰ باب دوکان اعمار شده، در شهرک بندری حیرتان داشتن ذخیره های تیل و جایداد ها و شراکت با شرکت وارداتی انترنیشنل، شراکت باکمال نبی زاده، داشتن تلویزون به نام آرزو و غیره پس عظامحمد نور والی است که بخاطر پروسه انتخاباتی بار دوم ریاست جمهوری به آغای کرزی طعنه فساد داد و بصورت عام اظهار نمود که دیگر مابه خاندان قاچاقیان همکاری کرده نمیتوانیم تا یک بار دیگر به کرسی ریاست جمهوری بنشیند.

آقای کرزی به مطالعه و مشاهده این نامه

این حقیت رابه وقت و زمان می سپارم که آیا جواب طعنه را گفت و یا به پنجه عدالت خواهد سپرد.

در آخر به رئیس دفتر ریاست جمهوری و مشاورین ریاست جمهوری میگویم و مطالبه می کنیم که در این مورد بخاطر ملت رنج دیده به رئیس صاحب دولت مشوره نیک بدهد تا در زمینه پرسش نماید زیرا عظامحمد نور یک مجرم جنگی بوده و در سال ۲۰۰۱ بیشتر از ۳۰۰۰ هزار طالب تسلیمی و طالبان بندی به قتل رسانیده و قاتل شناخته شده به امید همان روز که قباله های جایدادی شاغلی عظامحمد نور بمثل کابل بانک به وزارت مالیه تحویل شود و به قیمت خون ملت دارایی های غصب شده به بیت المال داخل شود.

(به آرمان و امید امروز)

عظامحمد میگوید:

ای مردم: اشخاص و افراد هستند که مارا در عرصه های از قبیل - قاچاق زمین، قاچاق هیروئین، غصب ملکیت های شخصی و دولتی اعمار منازل غیر قانونی، وسوء استفاده ها در پروژه های انکشافی و غصب دارایی تحت نام بازسازی، و غیره متهم می کند و ما هرگز به این عمل مبادرت نه ورزیده ام. جلالتمآب کرزی صاحب: در شمال کشور باالخص ولایت مزارشریف همه ملیت ها چون از یک تاجک، پشتون، هزاره و غیره به این عمل ناگوار و غاصبانه شان گواهی میدهد که عظامحمد نور در فساد تاگلو غرق است. علاوه عظامحمد نور چپاول گرو هیروئین سالار همیشه در ملاقات با جناب شما میگوید که مادر اصل پشتون هستیم حال آنکه عظامحمد نور به قوم تاجک بوده ولی گفتار مکارانه و کاذبانه عطای تروریست در شمال مشهور شده و هم اقوام فهمیده و دیگر فریب نمی خورد بخاطر کسب جاه و جلال آنی از نسب اصلی خود روگردان شده مکرراً غرض اغفال دیگران به این عمل مبادرت می ورزد.

گاه گاه عظامحمد نور به پرده تلویزون خطاب به مردم می گردد.

آری! در شمال کشور هر ملیت های ساکن بخاطر محوه و نابودی کامل کف در وقت و زمان کمربستند شهادت ها خانه ویرانی مهاجرت ها را قبول کرد نظام استبدادی، نظام ضد اسلامی و ضد انسانی را تحمل نکرد، خواهان فضایی و خوت، عدالت زندگی بدون تبعیض و تعصب شدند ولی شرایط بگونه دیگری شد خیانت جای عدالت را احتوا کرد حاکم وزماندار ظالم شد فساد اداری و اخلاقی اوج گرفت.

محترم رئیس صاحب دولت: ملت و همه مردم در شمال کشور خصوصاً مزارشریف مایوس و مامید گشته نمی داند چه کند؟ به کی بگوید؟ به کجا رجوع کند؟ تابه رخسار خاک آلود آن دست ترحم را لمس کند.

زیرا زماندار کنونی عظامحمد هیروئین سالار که در فساد مختلفه دخیل و دست بالا داشته از طرف حکومت مرکزی باالخص محترم کرزی صاحب حمایه می گردد، هیچ مرجع و اداره مسئول نمیتواند به میز محاکمه بکشاند مانند: لادریک شدن ۳،۵ میلیارد افغانی در بندر حیراتان و موجودیت دوسته ۵،۵ میلیون دالر در خارانوالی مربوطه که در زمینه تمام مقامات ذیصلاح چون ریاست خارانوالی مبارزه علیه ارتشاء و فساد اداری که موضوع بصورت پیهم ریاست محترم دولت جمهوری اسلام از طریق رسانه ها به نشر رسیده اغلباً مصلحت را در نظر می گیرد و یا خویشان را به بی اطلاعی تلقی می دهد.

چنان چه میگوید:

چی مشر بی حیدر وی

اختر بی مازدیگر وی

در شمال کشور

۱: قتل های پیهم:

۲: توزیع سلاح:

۳: ساختن گروپ ترورسیت:

۱: در شمال کشور بصورت علنی شخصیت های مهم جهادی و محاسن سفیدان سر شناس قومی بصورت پیهم و زنجیری به قتل می رسد، پس پرسش این است که چرا جناب کرزی خصوصاً جهانیان و همان مراکز که به سطح معیار جهانی تحت نام حقوق بشر غرض حفظ و نگهداشت و نظارت لایب می زنند.

از همچو جنایت کاران و دشمن اشکار بشريت دفاع می ورزند و به دستگیری و جزا رساندن آن اقدام نمی نمایند، در حالیکه به جنایت شان سنگ بوته، دشت های ریگ زار، انسان ها و کوه های سر به فلک و ابریوس شمال کشور شایدی میدهد و گواه است که در قتل صدها تن در شمال کشور همین وحشی منفور در اسلام و ترور سالار و همراهان آن میباشد مثال:- چون اسامی شریفی که در ولسوالی تاشقرغان ۴ نفر را که منسوب قوم دولت زایی بود مظلومانه به شهادت رسانید باز هم نه دولت افغان برخورد جدی و حقیقی از خود نشان داد و نه جامعه جهانی و نه هم صرف به نام کمیسیون های کاذب حقوق بشر

۲: از طریق رسانه ها به ملت اطمینان داده می شود که پولیس خدمتگار جامعه است باید که پولیس پولیس ملی باشد ولی برخلاف، در شمال کشور تحت عنوان و نام پولیس محلی به افراد مربوط به جمعیت اسلامی سلاح داده می شود و متواتر مسلح می شود که سروصدای ملت مظلوم از این جنایت کاران حرفی بارتائی بلند شد و هیچ کسی به زخم های شان مرهم نگذاشت بلکه نمک پاشید.

۳: در شمال کشور تحت نام طالبان گروهی مسلح می شود در حالیکه افراد مسلح تماماً به تروریست و هیروئین سالار عظامحمد نور و حزب جمعیت و شورای نظار متعلق بوده که غرض کوبیدن حریف های سیاسی از آن در منطقه به نفع خود استفاده نمایند که شاهد همچو صحنه دوره های انتخاباتی را نام گرفت، پس ما تاجک هستیم در حالیکه یک افغان مسلمان هستیم این نامه تحریر نمودیم آیا به این قتل ها و غصب های جایداد و سایر موضوعات که جواب خواهد داد. چنانچه گفته اند:-

که آه مظلومان سخت گیرد

بسی کسرا ز تخت و بخت گیرد.

استفاده سوء از صلاحیت های وظیفوی:-

۱: در شمال کشور پروژه توزیع سلاح به سرعت ادامه دارد پروژه توزیع سلاح بصورت مشترک به کمپاین روس و ایران که عظامحمد نور شامل این پروژه میباشد صورت می گیرد.

جلالتماب کرزی صاحب: از چنین پروژه در شمال کشور جناب شما در جریان قرار دارید یا خیر اگر هستید نفع اسلام بشریت در آن نهفته است تا جلوشان گرفته شود در غیر آن یکبار دیگر ملت مظلوم در این منجالب گیر خواهد آمد.

دروایت مزار عهده دار شد پدرش کاکا

۲: زمانیکه عظامحمد نور اقتدار محلی نورمحمد که متأسفانه عمل شراب خوری داشت به اساس خوردن شراب اضافه از نورم سکت قلبی کرده و دنیای پانی را وداع می گوید، عظامحمد از قدرت بی شرمانه شان آنرا در محوطه روضه مبارک دفن میکند در حالیکه از طرف رسول پهلوان دفن نمودن جسد مزاری ممانعت صورت گرفت بمقایسه:-

رسول پهلوان شخص ظالم و جنگ سالار بود و مزاری شخصیت برجسته جهادی ولی باز هم پهلوان نخواست که باب این روند باز گردد مانع دفن بابیه مزاری می گردد.

آیا عظامحمد نور جسد کاکا نورمحمد با استفاده از قدرت که مرگ آن توسط شراب نوشی بمیان آمده در محوطه شاه اولیاء بخاک می سپارند اکنون کی ها است تا از وی پرسش نمایند. (خالد مزاری))

دیگر عطا آن چهره ریشوی پکول برسرنیست اودریشی پوش شده، نکتایی میزند و از آزادی، دموکراسی و حقوق زن با پراندن کلمات انگلیسی حرف میزند. عطا محمد نور که سابقه اش به خوبی برای مردم بلخ روشن است و مردم هرگز آنروز را فراموش نمی کنند ولی امروز حرف از مردم داری میزند و همیشه جهاد خود را به رخ مردم می کشد که گویا بخاطر نجات شما جهاد کردیم. به اصطلاح عام اکنون گرگ پاسبان گوسفندان شده کسی که میگوید بخاطر نجات شما جهاد کردیم امروز خودش لقمه نان آنها را از دهان مردم گرفته است.

عظامحمد بیشتر از پنجاه درصد بلند منزل های دولتی و شخصی مزار شریف، تصرف ساحات سبز و قتل برخی از رجال مهم بلخ متهم است، در راس سیستم مافیایی بلخ قرار دارد که بیرحمانه مردم و آزاد اندیشان را تحت سیطره ی اختناق آمیز خویش فشرده است. سیستم مافیای قوماندان عطا چیزی دیگری نیست به جز از تجاوز، غارت، قتل و قاچاق. مافیای بلخ بوسیله ی عطا اداره شده و در ترکیب آن ملیشه ها و قوماندانچه های پیشین جمعیت که هم اکنون در برخی از پست های امنیتی و اداری بلخ و وظیفه دارند، به چشم میخورند. قانون در مطابقت با خواست این سیستم مافیایی کنترل و تفسیر میشود و بعد هیچ چیز برای اینها غیر قانونی نیست.

اگرچه همه مردم بیچاره ی بلخ وقتی می بینند، که هر روز آسمان خراشی مربوط به والی آنها درین ولایت به آسمان بلند میشود، میدانند، که این فرزند یک دکاندار عادی این همه پولها را از کجا کرده است؟

این آشکار است که والی بلخ در مزار شریف جایداد ویا دارایی هنگفتی دارد اما ازداری های که در کشورهای منطقه و جهان دارد، خدا می داند. والی بلخ تنها در شهر مزار شریف با قبالة ی شرعی بیش از پنجمد جایداد دارد که یا به نام خاتمش، پسرانش ویک دخترش ، برادر وخواهرش وفامیل خسرش ثبت شده ویدر شراکت باد دیگران است.

- بلخ ولایتی است که زمینهای دولتی وغیردولتی خیلی زیاد در آن غصب شده است. غصب زمین را در بلخ به سه کتگوری تقسیم می کنند؛ غصب زمینهای یک اداره دولتی توسط اداره دولتی دیگر، غصب زمینهای دولتی توسط افراد زورمند، وغصب زمینهای مردم .

کرزی متاسفانه باز دوبند های مقطعی همیشه منافع ملی رازیریا میگذارد وباعملکردهای کوتاه بینانه وزودگذر هم ملت وهم خارجی هارائراحت وعصبانی ساخته است. تعداد که به ریس جمهورمتمکی اند در همه اموردست بازداشته وبدون کوچکترین هراسی به قانون شکنی ، حیف ومیل دارایی عامه ، تجارت بی درد سري مواد مخدروجمع آوری ثروت مشغول اند. طی بیش ازیک دهه که ازسقوط طالبان درکشورمیگذرد میلیاردها دالربه کشورسرازیرو به جیب دزدان ثروتهای ملی کشور سرازیرشدوهمین دزدان وچپاولگران ، مالک ده ها تعمیرولند منزل ، شرکتهای تجارتي ، صاحب ده ها عراده موتر، صدها جریب زمین و... دردوبی ، لندن ، آمریکا ، کابل وسایرولایات کشورگردیدند .

اگرواقعاً به کمک های ارایه شده به کشور نگاه کنیم به این نتیجه می رسیم که اکثر این کمک ها برای مردم کشورنرسیده وبه جیب معاونین ریس جمهور، وزیران ، قوماندانان جهادی ، والیان ، جنرالان برحال وقدرتمند ، خویش واقوام این مقامات ، انجوسالاران ، موسسات خارجی ، فرماندهان قوای انتلاف ، سفارتخانه های کشورهای غربی وشرقی و... باین پولهای باد آمده مسوولین زورگوتر، قانون گریزتر، نیرومند تر، دیده پاره تر... گردیده اند.

درطول سالهای گذشته توجه جدی به بازسازی درمجموع صورت نگرفته و بهبود دروضعیت و شرایط اقتصادی مردم حاصل نشد ، بیکاری ، نبودکارازمواردی است که می توان افزایش فاصله وشکاف بین دولت ومردم اشار. وضعیت امنیتی بسیار نگران کننده و وخیم گزارش میشود ، وضعیت اقتصادی همچنان نا بسامان ومردم ازفقر وبیکاری دروضعیت نامساعدی قراردارد.

یکی ازین تاراجگرانی کلان کشورماعطامحمد نوراست ،صاحب میلیونها دالروسرمایه است وبیش ازیک دهه میشودکه درپست ولایت سنگرگرفته ومصروف چوروچپاول است. مادرینجامختصراتاراجگریهای ویرانه وبتدوین نموده ایم .

جنگ سالار معروف، متهم نقض حقوق بشروکسی که درچوروچپاول میلیون ها دالرازداری های خصوصی و دولتی در شمال افغانستان دست دارد. این جنگ سالار، درانتخابات ریاست جمهوری ازجنگ سالاردیگریدل عبدالله حمایت کرده و بخش قابل توجهی ازتقلب انتخاباتی درولایت بلخ به نفع دبل عبدالله ، با اعمال نفوذ وفشارعطا محمد نورصورت گرفته بود. پروژه خالد بن ولید نیزیکی از دارایی های غصب شده ای است که عطامحمد نورمیلیون ها دالرازان نفع برده که به گفته یکی ازباشنده این پروژه وی یک نمره سفید را به هفت هزاردالرامریکایی خریده است درحالی که یک نمره سفید که برابریه سه صدوپنجاه مترمربع زمین بوده ازمالک آن به صد دالرامریکایی خریداری نموده آیا این ظلم آشکارانیست آیا این مالک باشنده این شهرنبود ؟ این شهرک رهائشی درجنوب شهرمزارشریف قرارداشته درمدت زمان بسیارکم ملیون ها دالربه سرمایه خویش افزوده است.

طوریکه روشن است دارای کودبیرق دروقت حکومت ربانی بین زورگویان مانند عطامحمد نور، محمد محقق ، رسول پهلوان وغفارپهلوان وغیره جنسالاران تقسیم میگردید. این فابریکه تولیدی که روزانه درحدود هزاران خریطه کود یوریا وتولید وشصت میگوات برق درشهرمزارشریف میداد سرمایه ی عطامحمد نور را به میلیونهاالترسانید . جنگ سالارعطا محمد نورکه لقب مرد معارف ومرد صلح را درولایت بلخ خودش به خود داد بخاطرخدماتی بود که خون مردم راریختاند و مکتب ،شفاخانه ، پل وپلچک را به آتش کشید . عطا محمد نورزمانی که میخواست ازیک محل به محل دیگری نقل نماید یعنی ازیک خانه به خانه دیگروی رابیش ازپنجاه موتر تعقیب سکورت مینماید که همه مال ملت اند.

وی درشهرمزارشریف مالک بیش ازده ها بلند منزل است که بعضی ازآنها رابه نام خودویا زن ، فرزندان واقارب خویش خریداری نموده است. خالد مزاری دریک نبشته ی دردعوت می نویسد- عطامحمد والی بلخ درولایت بلخ اضافه از ۵۰۰ قبالة شرعی درارتباط جایداد ها ییابه نام خود ییابه نام خاتم ودوپسران و دخترش دراملاک ثبت مییابد.

عطامحمد که خود رانورمی نامد، با پیشینه تاریک اندیشی وتاریک فکری که درعلمنامه سیاه او از روزگار مکتب سوزی وزن ستیزی درج گردیده است بربلخ فرمان می راند. این مرد سیاه کار وسیاه دل و یاران دیگر تنظیمی اوبیشرماته دارایی های دولت ومردم مظلوم راغارت میکنند .

شمارقصرها وبلند منزل هایش ازحساب بیرون است، بگونه نمونه ازچند مارکیت وقصربلند منزل دربلخ یاد آور میشودیم تا خواننده گان به غفارپهلوان و رسول پهلوان که اسلاف این وطنفروشان درچپاول وثروت اندوزی بودند روی سفیدی تاریخی دهند. اگراروضه مزارشریف که دروسط شهر قراردارد بطرف غرب حرکت کنید درکمتر ازیک کیلومتر تماشا خواهید کرد که چگونه سینمای سابق مزار ننداری به مارکیت والی بلخ تبدیل گردیده است ودرمقابل آن مارکیت دیگر

عالی جناب بنام ارجمند مبارک اوخالد نورقد برافراشته و کمی پیشتر قصر مهمانان ساخته شده و در مقابل قصر، اتحادیه باربری و ترانسپورتی خالد و طارق با صدها متر قرارداد و متصل آن بطرولیم طارق نوره خیابان غربی انوار چراغهای گوناگون بخشیده است و کمی پیشتر به شفاخانه الفلاح می رسید که با باجه مبارک شان میرویس ریس شفاخانه بلخ تازه سرمایه گذاری نموده اند.

در نخستین گام زیر زمینی دروازه شادیان والی چند قصر و خانه و مهمانخانه رامینید تا کوه های شادیان که پروژه خالد بن ولید با هزاران نمره رهایشی باغضب زمین های دولتی ادامه می یابد همه را والی به نفع شخصی غضب نموده اند. و به همین ترتیب سرای سابق عجب خان و کارته آریانا چندین قصر و تعمیر همه مالکیت والی بلخ است، در سمت شمال مارکیت ترکاری سابق حق مسلم این مجاهد و مقاومت گری مانند است و دهها جایداد غیر منقول دیگر که درین مختصر ذکر آن نمی گنجد. این به اصطلاح مجاهدین که هر لحظه واژه جهاد را به رخ مردم می کشند و پای آمریکایی و یاران غربی را مبیوسند بی شرمانه صد ها هزار جریب زمین دولتی را غضب نموده اند که شهرک های خالد بن ولید و همدرد نمونه های ناچیز آن محسوب میگردد. باند مافیایی والی چون پادشاه کل اختیار بلخ هر کسی را که مانع اغراض خود فکر کنند بی هراس گردن می زنند و پروا از محاکمه و محاسبه نیز است.

هم چنان در تمام پروژه های ساختمانی بشمول پروژه های سرک سازی توسط انجوه های داخلی و خارجی بدون آنکه سرمایه گذاری نماید به فیصدی بلند یعنی ۵۰ فیصد شریک است. مثلا در برج غضنفر واقع در سرک قوماندانی امنیه که نظر به نقشه شهری باید تخریب می شد ولی بخاطر سهمی که غضنفر به عطا قایل شده است شاروالی مزار از تخریب آن ممانعت کرد. اکثر جایداد هایی که به اجاره گرفته می شود توسط برادرش انجینیر سلطان که صاحب شرکت ساختمانی نیز هست، فدا محمد دیوانه برادر دیگرش، حاجی باقی شوهر خواهر، لنگ سید محمد، اسدالله شریفی، حاجی مایل، استاد وکیل رئیس شهرک خالد بن ولید، یونس مقیم شاروال مزار، داکتر میرویس ربیع رئیس صحت عامه بلخ، حاجی شریف سنچارکی که چندی قبل سکتته کرد و... که افراد حسابی وی در شبکه مافیایی با کارهای پردرآمد می باشند؛ صورت می گیرد. بعد از عطا دو غارتگر دیگر علم سیاه و اسحق رهگذر وکلای پارلمان نیز بر جان و مال مردم نگویند سفره پهن کردند. اولی شهرکی بنام آزادی بنا نموده و دومی زمین و اپارتمان های زیادی در مرکز و حومه شهرداری. ایندو از قوماندانان های دوران آدمکشی های والی ولایت بلخ اند.

غصب زمین در مزار چه در ساحات سبز، پارکهای صنعتی و زمین های زراعتی دولتی و غیر دولتی بیشتر توسط مافیای عطا صورت گرفته است. عطا همه قوماندانان لچک و چورگرش را به جان و زمین مردم گرگ وار رها کرده و حتی جای خالی در دشت های مزار باقی نگذاشته اند (چه رسد به ناحیه ششم داخل شهر) همه را بین خود مثل مایملک پدری خویش تقسیم نمودند. مسافرائیکه از کابل می آیند بخوبی در خواهند یافت که از دوراهی حیرتان تا داخل شهردزدان عطا، محقق در سینه این دشت پروست لانه گزینند.

مثلا سمت کوه یا شمال دوراهی را اسحق رهگذر وکیل پارلمان صاحب شده، کمی پیشتر از آنرا وکیل غضنفر شهرک تاسیس نموده و به تعقیب آن وکیل عباس دالروسناتور احمد شاه رمضان دونماینده مافیای محقق شهرکها بخود ساختند و در اخیر ظاهر وحدت معاون ولایت از حرکتی های شیخ آصف محسنی مناطقی را به خود اختصاص داده و... رهبری این مافیای جمعیتی بدست عطا محمد است.

سوزانیدن شفاخانه صحت عامه بلخ و سپس خریداری دوسرای مقابل آن که اکثریت داکتران در آندو معاینه خانه داشتند و مشکل اکثر مریضانیکه از مناطق دور و ولسوالی ها می آمدند را بخوبی حل می نمود، در جمله خیانت های نابخشودنی والی بلخ حساب باید کرد که دلیل آنرا رونق دو شفاخانه شخصی عطا الفلاح و مولانامی سازد.

عطامحمد نوربر علاوه این همه تجمل در ولایت بلخ در کابل نیز مالک دم و دستگاه فراوانی بوده و علاوه بر اینکه در تاراج شیرپورسهم دارد و مالک چندین قصر و بلذنگ دیگری درین مناطق است.

اداره شفافیت جهانی که همه ساله کشورها را بر اساس میزان شفافیت رتبه بندی می کند، افغانستان را در رده اول کشورهای فاسد جهان جا داده است. افغانستان در کنار سومالی و کوریای شمالی با داشتن رتبه ۱۷۴ منحبث فاسدترین کشور جهان ثبت گردید. از ده سال بدینسو، افغانستان همیشه در رده بدترین کشورهای جهان از نظر شفافیت قرار داشته است. در افغانستان، کرسی های دولتی بر اساس زدوبند ها و معامله گری های سیاسی به افراد داده می شوند و شایستگی و لیاقت و یا دید خدمت به مردم و وطن به حرفهای پوچ و بی معنی می ماند. پست های پایین تر در سطح ریاست و مشاور و سفیر و دیگر مقام های پول آور به قیمت های هنگفت خرید و فروش می شوند و کسانی که مقرر می شود، آن کرسی را بزنس شخصی پنداشته بدون دغدغه خاطر به جمعآوری پول از هر طریق نامشروع و حرام می پردازد و با این پولهای بادآورده که به قیمت سیهروزی مردم فقیر ما به چنگ می آورند در دوی، دهلی، لندن و سایر جا ها به سرمایه گذاری و عیاشی می پردازند. معاون کرزی، فهیم قسیم با برادرش حسین فهیم در اس مافیای زمین قرارداد داشت، از طریق چپاول

دارایی های عامه و غصب زمین، سرمایه سرسام آوراندوخته و پول های حرام را در داخل کشور با اعمار بلندمنزلها و شرکت ها و در خارج از کشور به کار انداخته اند.

کریم خلیلی با برادرش حاجی نبی زمین های وسیع را در کابل قبضه کرده به میلیونها دالر به فروش رسانیدند و به سرمایه داران اصلی کشور تبدیل و صاحب غلغله گروپ، چینل تلویزیونی و غیره شدند. تنها در قضیه کابل بانک، قریب یک میلیارد دالرازپول ملت به غارت رفت، اما از آنجاییکه خانواده کرزی و فهیم در این کلاهبرداری تاریخی سهیم اند تا حال بردوسیه این چپاول پرده انداخته شده و اقدام جدی در برابر عملاتش صورت نمیگیرد در حالیکه گردانندگان اصلی این بانک حقایق مهمی را در دست داشتن شخص حامد کرزی، حسین فهیم، محمود کرزی، قدیر فطرت، فاروق وردگ، عمر زاخیلوال و دیگران در فساد و چپاول بانک فاش نمودند.

کرزی از همان ابتدای حکومت موقت، وزیران و مهره های اصلی کابینه اش را از میان چپاولگران جهادی، طالبی، گلبدینی و تکنوکراتهای ترسو و معامله گر برگزید. حدود سه صد نفر چپاولگروبی کفایت مانند دانه های شطرنج گاهی در این پست و گاهی هم در آن پست نصب کرد و بر تمامی پستیها، دزدیها و کثافت کاری هایشان چشم بست. او و جیب و جیب خاک کابل و شهرهای بزرگ افغانستان را در اختیار حمایتش قرار داد، که در نتیجه حدود شصت میلیارد دالرازپول های کمک شده به افغانستان در اثر حاتم بخشی ها به جیب همین معامله گران و اریزشد.

در پشتنی بانک چه گذشت؟



لوی خاڼوالی یک عده بانکداران و منجران بانکی را در چوکات تحقیق در باره دوسیه اختلاس مالی مبلغ بزرگ در بانک دولتی پشتنی بانک بازداشت نموده است. رئیس اسبق پشتنی بانک حیات الله دینانی، یک عده منجران بانکی و همچنان گروپ کارمندان وزارت انکشاف شهری بازداشت شده اند. این اتحادیه جنایتکار شیمای را جهت شست و شوی پول سنجیده بودند که به اساس آن از بانک، حد اقل سی پنج میلیون دالر که به شکل قرضه به هفتاد موسسه ساختمانی در بدل ضمانت زمین تخصیص داده شده بودند، کشیده اند.

ولی تمام اسناد ملکیت زمین جعلی ثابت گردیدند. در سال 2011 در افغانستان بزرگترین بانک خصوصی **Kabul Bank** ورشکست شد که رهبران و سهامداران آن با جعل کاری مبلغ تقریباً 900 میلیون دالر به خارج انتقال داده بودند. در جمله سهامداران بزرگ بانک برادر مارشال فهیم معاون رئیس جمهور و برادر سکه رئیس جمهور شامل بودند. بعداً رئیس «د افغانستان بانک» که خاڼوالی بر ضد او در چارچوب دوسیه **Kabul Bank** دوسیه جزایی ترتیب نمود، به امریکا فرار کرد و در آنجا درخواست پناهندگی سیاسی نمود. بانک سابق **Kabul Bank** از طرف وزارت مالیه اصلاح سازی شد و حالا بنام **New Kabul Bank** فعالیت میکند.

وزارت مالیه به تاریخ بیست دوحوت هشتاد و نوبی استهدانیه ای به امضای زاخیل وال وزیر مالیه، از ریاست جمهوری خواهان هدایت در مورد قروض بانک گردیده و مدعی شده است که یکصد سی دو ملیون قروض بدون طی مراحل قانونی به اشخاص زورمند توزیع شده اکثریت قروض تضمین ندارند و یا سند تضمین جایداد های شان جعلی می باشد یا اینکه اصلاً جایدادی به نظر نمی رسد...

بعد از ماجرای کابل بانک که مشخص شد حدود نهمصد ملیون دالر در آن اختلاس صورت گرفته بود، ماجرای پشتنی بانک، ضربه ی کوبنده دیگری بر اعتبار سیستم بانکداری افغانستان و حکومت کرزی است.

بندر حیرتان



محمد یعقوب زازی، رییس خدمات بندری حیرتان که از سوی یک هیأت موظف بلخ که متشکل از نماینده‌های امنیت ملی، اداره مبارزه علیه فساد اداری در شمال و سارنوالی می باشد، به اختلاس و سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی متهم گردیده است. زازی صدها هزار افغانی را با استفاده از صلاحیت وظیفوی اش، از بودجه این اداره حیف و میل کرده است. موجودیت فساد اداری، در خصوص شیوه اجراءات و تهیه و ترتیب اسناد خریداری غیرضروری یک عراده تراکتور، و یک عراده موتر بس سرویس ۴۰۴ و همچنان تخطی و تخلفات در سیستم و شیوه اجراءات پروسه داوطلبی قرارداد پورت (۴)، اجرا و توزیع غیرقانونی مکافات و مساعدت‌های نقدی به عده از همکاران و کارمندان و زارت تجارت، از جمله موارد فساد اداری است که در این اداره تثبیت شده است.

در مورد خریداری غیرضروری و غیر قانونی یک عراده تراکتور توسط یعقوب زازی رییس خدمات بندری حیرتان آمده است: رییس خدمات بندری حیرتان، یک عراده تراکتور را با اسناد ساختگی پاکستانی که به صورت تزویر و جعل ساخته شده از موتر فروشی احمد خالد (که اصلاً به این نام، موتر فروشی وجود ندارد) (خریداری شده و توسط این اسناد مبلغ (۱۹۸۰۰۰) افغانی را از بودجه اداره خدمات بندری حیرتان کشیده است و مبلغ یاد شده توسط رییس اداره خدمات بندری حیرتان (یعقوب زازی) حیف و میل گردیده است.

انجنیر محمد عالم معاون ترانسپورت و عضو هیأت خریداری اداره خدمات بندری حیرتان گفته است که این تراکتور به دستور رییس اداره خدمات بندری حیرتان از شهر جلال آباد آورده شده و بعداً اسناد آن به دستور زازی ساخته شده است. همچنان رییس خدمات بندری حیرتان، در خریداری یک موتر بس (۴۰۴) که از موتر فروشی جیحون شهر کابل خریداری شده، نیز به سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی و اختلاس متهم است. مولالدین آمراداره خدمات بندری حیرتان گفته است که محمد یعقوب زازی رییس این اداره، در خریداری این موتر قبلاً با یکی از اقاربش در کابل به نام نعمت‌الله قرار داده نموده و هنگامی که آنان برای خریداری موتر به کابل می‌رود، یک عراده موتر مستعمل را به اساس قرار داد قبلی محمد یعقوب زازی به مبلغ، (۳۴۵۶۱۲۵) افغانی خریداری کرده است و ضمن مصارف طی مراحل اسناد ترافیکی و محصولات گمرکی موتر متذکره، مبلغ (۴۵۰۰۰۰) افغانی را از خرید موتر اضافه بالای مبلغ... خریداری شده، به دستور محمد یعقوب زازی رییس این اداره اضافه کرده است که مبالغ یاد شده نزد نعمت‌الله یکی از اقارب زازی می‌باشد. به اساس گفته‌های مولالدین آمر خدمات این ریاست که در ترکیب هیأت خریداری موتر نیز بوده است، نعمت‌الله شخص قراردادی زازی اسناد خریداری موتر ۴۰۴ را به شکل جعلی و تزویر به نام شرکت شهزاده اوریاخیل ترتیب داده است.

دروزارت مهاجرین و عودت کننده گان چه میگذرد؟

وزارت امور مهاجرین و عودت کننده گان

جمهوری اسلامی افغانستان



جماهیر انوری وزیر مهاجرین و عودت کنندگان چندین بار از کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (UNHCR)، خواسته است تا ده‌ها هزار دالر امریکایی را به حساب شخصی شماری از افراد خاص او تادیه کنند. جماهیر انوری، در مکتوب شماره 155، تاریخ 2012/6/6 عنوانی کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، گفته که دو چک را به مبلغ 97531 دالرامریکایی به احمد شکران عثمانی، مسوول مالی و اداری اداره مساعدت‌های این وزارت بپردازد. اما در این مکتوب، هدف پول مشخص نشده است.

کمیساری عالی سازمان ملل متحد به تاریخ 2012/6/5 نیز حدود 50 هزار دالر امریکایی را به چک شماره 170403 بانک "استاندارد چارتر" به عثمانی فرستاده است. در همین تاریخ چک دیگری نیز از سوی این کمیساری با شماره 170402 مبلغ 47531 دالر، باز هم به حساب آ عثمانی انتقال داده شده است. در مکتوب شماره AFG/KBL/FIN/0011، تاریخ 7 جون 2011 کمیساری سازمان ملل متحد عنوانی استاندارد چارتر بانک گفته شده است که این بانک حدود 97531 دالر امریکایی را به احمد شکران عثمانی مسوول مالی و اداری وزارت مهاجرین و عودت کنندگان بپردازد. با این حال، احمد شکران عثمانی میگوید که او بر اساس هدایت جماهیر انوری، 50 هزار دالر امریکایی را به خانم انوری پرداخته است. بر اساس هدایت جماهیر انوری، حدود 50 هزار دالر را به شازیه، یکی از خانمهای انوری تحویل کرده ام و 47 هزار دالر باقی مانده به شرکت توریستی "هیپی دیز" که وزیر به نام او بلهای جعلی از بابت سفرهای خارجی ساخته بود، تحویل شده است. من تعهد شازیه را در یک ورق نیز گرفته ام."

اما وزیر مهاجرین، میگوید که بستگان او به پول وزارت مهاجرین احتیاج ندارند و عثمانی 50 هزار دالر را به مالک مهمانخانه (نثار احمد، رییس شرکت امید فارما) که برای ملاقات خارجیها کرایه شده بود، پرداخته است. انوری به مشارکت رسانه‌های آزاد گفت: "50 هزار دالر، کرایه یک ساله خانه بود و ما این خانه را برای ملاقات خارجیها، تحت نظر عبدالصمد حامی، معین مالی وزارت اجاره گرفته بودیم. بستگان ما به پول احتیاج ندارند و 47 هزار دیگر قیمت تکت سفرها بود." با این حال عبدالصمد حامی، معین مالی و اداری وزارت مهاجرین، اما میگوید که این وزارت هیچ خانه‌ای را کرایه نگرفته است و او در جریان این موضوع قرار ندارد.

با این حال، عثمانی نیز با رد این ادعاها میگوید پس از آن که هیأت کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، بررسی‌های خود را در این مورد آغاز کرد، انوری، سند جعلی 50 هزار دالر را به نام شرکت امید فارما از بابت کرایه مهمانخانه ساخت. عثمانی می‌افزاید: "پس از بررسی‌های هیأت از سوی کمیساری، در رابطه به حیف و میل 97 هزار دالر، وزیر مرا به دفتر خود خواست و تهدید کرد که باید یک سند جعلی را به نام شرکت امید فارما امضا کنم. چون یک کارمند قراردادی بودم و در آن لحظه که محافظان وزیر بالای سرم ایستاد بودند، هیچ راهی نداشتم و ورق شرکت امید فارما که به قلم یوسف سکرتر وزیر نوشته شده بود، با امضای جعلی تعهد کردم که به 50 هزار دالر را به مالک شرکت امید فارما تحویل کرده ام." او می‌افزاید که پیش از ساختن این قرارداد، او 50 هزار دالر را بر مبنای هدایت جماهیر انوری به شازیه، خانم وزیر، پرداخته است. عثمانی ادامه می‌دهد که او چندی پیش وضعیت موجود وزارت مهاجرین را تحمل کرده نتوانست و مجبور شد که از سمت خود استعفا دهد.

در همین حال، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری (MEC)، در مجموعه پنجم سفارش‌ها و بنچمارک‌های خود نوشته که وزارت مهاجرین و عودت کنندگان حساب‌های دوگانه بانکی را باز کرده و از طریق آن کمک‌های مالی کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهجویان را به دست آورده و این عمل در مغایرت با قانون اداره امور مالی و مصارف عامه قرار دارد. در بخشی از این سفارش‌ها آمده است: "چون پول از مجرای اساسی دولت به مصرف نمی‌رسد و از ریاست بودجه وزارت مالیه نیز در این مورد تقاضایی صورت نمی‌گیرد، بنا معلوم نیست که پول‌ها چگونه و به چه منظور تخصیص داده شده و چگونه مصرف می‌شود؟"

از سوی دیگر، سندهایی که به "مشارکت رسانه‌های آزاد" رسیده است نشان می‌دهد که شماری از بست‌های وزارت مهاجرین و عودت کنندگان توسط برخی از مقام‌های ارشد این وزارت به فروش می‌رسد.

در یک نامه سرگشاده شماری از کارمندان عالی رتبه وزارت مهاجرین عنوانی آقای کرزی گفته شده است که ظلم، بی‌دادگری، چور و چپاول، خویش خوری، قوم پرستی، در وزارت مهاجرین و عودت کنندگان بیداد می‌کند و در شرایط کنونی ارگان‌های عدلی، قضایی و کشفی به داد آنان نرسیده‌اند و صدای شش میلیون مهاجر و آواره دور از وطن و نیم میلیون بی‌جا شده داخلی، از گلوی‌شان فریاد می‌کشد.

در بخشی از این نامه آمده است که قیمت بست‌های کلیدی وزارت مهاجرین و عودت کنندگان از سوی جماهیر انوری به میراث مانده است: "ریاست‌های مرکزی ولایت‌ها که قیمت زمین افزایش یافته حدود 80 هزار دالر امریکایی، آمریت‌های مرکزی و ولایت‌ها حدود 50 هزار دالر امریکایی به فروش می‌رسد. آقای انوری هفتاد درصد معاش مشاوران قراردادی را نیز به عنوان کمیشن می‌گیرد."

در همین حال، سندها نشان می‌دهد که سه تن از کارمندان عادی وزارت مهاجرین بیش از یک میلیون افغانی از نظر محمد، خزانه دار این وزارت پول گرفته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مهمایون انوری (داماد جماهیر انوری) از کارمندان وزارت مهاجرین و عودت کنندگان از سال 1390 تاکنون، پنج بار، بیش از 400 هزار افغانی از نزد نظر محمد، خزانه دار این وزارت گرفته است.

همایون در یادداشت‌های خود نوشته است که مقداری از پول‌ها را به خاطر اعاشه مهمانان از خزانه دار گرفته است. همچنین، سندها نشان می‌دهد که حاجی سردار محمد کاکر، مدیر عمومی مهماتخانه وزارت مهاجرین، چهار بار، حدود یک میلیون و سیصد هزار افغانی از ریاست مالی و اداری گرفته است.

با این همه، در مکتوب شماره 5169، تاریخ 1391/4/15 ریاست 82 امنیت ملی عنوانی لوی خرنوالی آمده است که محمد کاظم حق پال، آمرپیشین ریاست مهاجرین ولایت لغمان، حدود 6 هزار دلار امریکایی، معاش 13 کارمند این اداره را اختلاس کرده است. در بخشی از این مکتوب تأکید شده است: “حق پال حدود 6 هزار دلار امریکایی معاش 13 کارمند را که از سوی کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان داده می‌شد، اختلاس کرده است. احتمال می‌رود که وزیر مهاجرین از سوی وی تطمیع و سوء استفاده آن را کتمان کرده باشد.”

جماهیر انوری، پس از این مکتوب، موافقه ریاست جمهوری را به خاطر تبدیل محمد کاظم حق پال از ریاست مهاجرین ولایت لغمان به ولایت پکتیکا به دست آورد. پس از آن که ریاست 82 امنیت ملی از اختلاس معاش‌های کارمندان توسط برخی از مسوولان ریاست‌های مهاجرین ولایت‌ها پرده برداشت، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری (MEC) نیز در مجموعه سفارش‌ها و بنچمارک‌ها، از اختلاس در معاش‌های کارمندان وزارت انتقاد کرده است. در بخشی از این سفارش‌ها آمده است: “اختلاس توسط کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در خصوص پرداخت معاش‌های دوگانه کارمندان غیابی و سایر فعالیت‌های فریبنده در منابع بشری (وزارت مهاجرین) صورت گرفته است.” جماهیر انوری اما می‌گوید که او از معاش‌های امتیازی کارمندان واحد اداری در ولایت‌ها آگاهی ندارد. با این حال، جماهیر انوری در مکتوب شماره 191/263، تاریخ 1391/1/23 عنوانی ریاست حالت‌های اضطراری این وزارت نگاشته است که در صورت اجرای هدایت‌ها و حکم‌های غیرقانونی او، اجرا کننده مسوول و پاسخگو می‌باشد. در بخشی از این مکتوب آمده است: “در صورتی که آمرها، هدایت‌ها و حکم‌های این‌جانب (جماهیر انوری وزیر مهاجرین و عودت‌کنندگان) خلاف قانون‌های اساسی، کار، کارکنان و دیگر قوانین نافذ باشد، مسوولیت آن به دوش اجرا کننده می‌باشد.” اما یک مقام این وزارت می‌گوید زمانی که جماهیر انوری، هدایت‌ها و حکم‌های خلاف قانون صادر می‌کند، کارمندان و مسوولان به خاطر حفظ مقام خود مجبور می‌شوند که آن را اجرا کنند. این مقام گفت: “کارمندان به خاطر این که وظایف خود را از دست ندهند، مجبور می‌شوند که حکم‌های غیرقانونی وزیر را اجرا کنند و پس از اجرای آن، وزیر مسوولیت را به دوش کارمندان خود می‌گذارند.”

شماری از مسوولان وزارت مهاجرین مدعی‌اند که انوری با هدایت‌ها و حکم‌های غیرقانونی خود، زمینه فساد اداری، اختلاس را مساعد می‌کند و با این کار خود با سرنوشت حدودش میلیون مهاجر و پناهنده افغان و نیم میلیون بی‌جا شده داخلی بازی می‌کند. این مسوولان می‌گویند که در حال حاضر وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان به عنوان فاسدترین و ناکارترین وزارت تبدیل شده و هیچ کار بنیادی را برای بی‌جاشدگان و عودت‌کنندگان انجام نداده است. هشت صبح.

درگمرکات غرب کشور



در جریان سال 1392 دوازده تن از کارمندان ریاست‌های گمرکات ولایات هرات، فراه و نیمروز به اتهام فساد اداری و اختلاس بازداشت و به ادارات عدلی و قضایی معرفی شدند. پنج تن از این افراد مامورین گمرک هرات، چهار تن شان کارمندان گمرک ولایت فراه و سه تن دیگر مامورین گمرک ولایت نیمروز بودند. چهار تن از این افراد که کارمندان ریاست گمرک ولایت فراه بودند، بعد از آن از سوی اداره مبارزه با فساد اداری بازداشت شدند که از پنج موتر اموال تجارتي بالاتر از دو میلیون افغانی رشوت اخذ نموده و محصول گمرکی آن را پنجاه درصد تخفیف داده بودند. اگر روزانه، صد موتر باربری، مال وارداتی خود را در گمرک ولایت فراه محصول نماید پول رشوه پرداختی آن بالاتر از چهل میلیون افغانی می‌شود. از طرف دیگر، مسوولان ادارات کشفی در زون غرب، می‌گویند که فساد اداری در گمرکات ولایات فراه و نیمروز در طی سال جاری به صورت قابل ملاحظه ای افزایش یافته است.

گمرک فراه از جمله فاسدترین گمرک در غرب افغانستان می‌باشد که در جریان دوازده سال گذشته هیچ اداره‌ای موفق به ریشه‌کن نمودن فساد در این اداره نگردیده است. بنا به اظهارات وی، حمایت والیان و ادارات عدلی و قضایی در طی چند سال گذشته از مامورین فاسد اداره گمرک فراه باعث شده تا ارگان‌های کشفی نتوانند مجرمین را بازداشت و به پنجه

قانون بسپارند. گمرکات افغانستان در انحصار حلقه خاصی از مافیای اقتصادی است، رؤسای گمرکات که مستقیماً از طرف وزارت مالیه تعیین می‌شوند هر ازگاهی جابه‌جا می‌شوند. گردش مالی از طریق دریافت رشوه و کمیشن کاری‌ها تنها در گمرک هرات و اسلام‌قلعه روزانه به چندین میلیون دالر می‌رسد که سهم عمده‌ای از آن به مقامات وزارت مالیه و شخص وزیر مالیه می‌رسد. شکایت‌های تاجران در مورد موجودیت فساد در گمرک هرات زیاد است و سیستم نظارتی از سوی ادارات ذی‌ربط کمتر می‌باشد. موجودیت فساد در اداره گمرک هرات باعث شده تا اقلام مشابه تولیدات داخلی از ایران وارد افغانستان شود که این خود یک ضربه محکم بر پیکره اقتصادی کشور وارد می‌کند. چندین بار دیده شده که مامورین بخش تشریح گمرک هرات محصول اموال تجارتي واردکنندگان را به دلیل اخذ رشوه، پایین آورده‌اند؛ به طور مثال، یک تاجر ده‌ها تن سیخ گول را وارد گمرک هرات می‌کند اما به عوض آن یک مال ارزان‌تر محصول می‌گردد.

والی هرات، می‌گوید که اداره‌های درآمدزا به خصوص اداره گمرک ولایت هرات آغشته به فساد می‌باشد. سید فضل‌الله وحیدی، والی هرات، می‌گوید در اداره گمرک هرات در حال حاضر سی درصد فساد موجود می‌باشد. او می‌گوید با وصف تلاش‌های زیاد توانسته است تا میزان واقعات فساد اداری را در این اداره کاهش دهد. والی هرات می‌گوید، فشارهایی که از سوی برخی از مقامات دولت مرکزی وجود دارد باعث به وجود آمدن شرایط فساد در اداره گمرک هرات شده است. به گفته وحیدی، این فشارها در جریان امسال باعث شد تا احمدتمیم کاکر، رییس گمرک هرات، "چند بار استعفاي خود را پیش من بیاورد، اما من قبول نکردم."

برداشته‌ها و یادداشت‌ها: حزب همبستگی، کلید، بخدی، شبکه‌های خبری، منابع روسی، وبگاه‌های آمریکایی دخیل در مسایل افغانستان و پژوهش‌های قبلی نویسنده ... باقی یادداشت‌ها و برداشت‌ها در ادامه می‌آید.

ادامه دارد...